

مقابله واکه‌های فارسی و آذربایجانی

برای بررسی مشکلات ناشی از برخورد این زبانها

دکتر حمید سرهنجیان

دانش‌آموز آذربایجانی در اثر کار بُرد متناوب زبان فارسی و آذربایجانی مطابق الگوهای زبان مادری تغییراتی در ساختمان زبان فارسی می‌دهد. چون این تغییرات موجب افزایش یا کاهش عوامل متشکله دستگانه‌های زبان فارسی می‌شود الزاماً موجب تجدید سازمان عناصر تمایز دهنده آن زبان نیز می‌گردد. زیرا «پذیرفتن اینکه عناصر اضافه شده بدستگاه‌های صوتی، واژگانی یا دستوری موجب ایجاد تغییر در دستگانه‌های زبان پذیرنده نمی‌شود مغایر شرط اصلی دستگانه است»¹. در این نوشته از آن گونه تغییرات و مشکلات یادگیری بحث می‌شود که آموزنده آذربایجانی بهنگام صحبت یا نوشتن، بدون اطلاع از ساختمان دستگانه صوتی و واج آرائی زبان فارسی با آنها مواجه می‌شود و این انحرافات را در تمام واژه‌های فارسی، حتی در واژه‌هایی که وارد آذربایجانی نشده‌اند تعمیم می‌دهد. اگر آموزگار از وجود این انحرافات و علل آنها آگاه نباشد یادگیری و آموزش درست زبان فارسی مشکل‌تر و پیچیده‌تر خواهد بود.

1- H. Vogt, International Congress of Linguistics (6th), Paris-1949, p. 39.

در اینجا روش تحقیق بر مبنای نظریه رفتار زبانی و عادت یعنی عامل اصلی یادگیری زبان است^۱.

عادت پدیده فعالیت دستگاه‌های عصبی، عضلانی، هوش و احساسات ما است که بدون آگاهی، بطور خودکار عمل می‌کند. ایجاد تغییر در عادت که با تمام عوامل حیاتی ما رابطه دارد مسأله‌ای مهم و همراه با دیگر گونه‌های فراوان است: کودکی که زبان اول خود را یاد گرفته است در واقع با عاداتی خو گرفته است که ویژه زبان مادری اوست. انتقال این عادات به منظور یادگیری زبان دوم و دادن هر گونه تغییر در عادات زبانی تثبیت شده، موجب انحرافات یا همگونگرایی می‌شود که آموزنده را در یادگیری درست عناصر ساختمانی زبان دوم مانع می‌شوند. زیرا وقتی مطلبی را بیان می‌کنیم در ذهن خود معانی لغوی، اجتماعی و فرهنگی و عاطفی آن قطعه گفتار را بر مبنای عادات زبانی خود مجسم نموده و بصورت جمله، بند، گروه، واژه یا تک واژه بزبان می‌آوریم. این کار بطور خودکار صورت می‌گیرد و شنونده هم‌زمان گوینده به‌مین سرعت و به‌طور ناخودآگاه واکنشی در برابر آنچه شنیده است نشان می‌دهد. ولی اگر دو نفر که بزبانهای مختلف سخن می‌گویند باهم مواجه شوند به هنگام تبادل واحدهای گفتاری نا آشنا و جدید تحت تأثیر عادات خودکار زبانی خود بی‌اراده تغییراتی در آن واحدها می‌دهند تا آنها را

۱- در مورد یادگیری زبان مادری در دوران کودکی به نظریه:

a - R. Lado, Language Testing, New York, 1964, p. 13.

b - P. M. Postal, English Transformational Grammar, London, 1970, p. 267.

مراجعه شود.

۲- دکتر م باطنی - توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران ۱۳۴۸

بخش ساختمان جمله.

بقالب واحدهای آشنا در زبان مادری خود در آورند^۱. بهمین ترتیب وقتی بزبان دوم حرف میزنند تحت تأثیر همان عادات متوجه آن گونه معانی و یا قالبها می شوند که در زبان مادری خودشان با آنها آشنا هستند. در نتیجه هم بهنگام سخن گفتن و هم بهنگام سخن شنیدن تمام عادات زبان مادری خود را به زبان دوم منتقل می کنند و در تک واژهها، در توزیع آنها، قالب هجاها و واژهها و الگوهای جملات و واحدهای دیگر زبانی و حتی در معانی آنها تغییراتی میدهند، و چون تمام این فعل و انفعالات ناخود آگاه است هنگامی که توجه آنها بموارد اشتباهشان جلب می شود از وجود اشتباه اظهار بی اطلاعی می کنند^۲.

بررسی انحرافات صوتی - مقابله واکه های فارسی و آذربایجانی^۳.

مثال :

فارسی آذربایجانی	فارسی	توصیف واکه ها	فارسی آذربایجانی	
زیب	zip	واکه پیشین، بسته، غیرمدور	i	i ۱
گل	göl	واکه پیشین، بسته، مدور	ü	- ۲
احسان	ehsān	واکه پیشین، نیم باز، غیرمدور	e	e ۳
اردک	ördək	واکه پیشین، نیم باز، مدور	ö	- ۴
اصل	asl	واکه پیشین، باز، غیرمدور	a	a ۵
شلوار	šälvär	واکه پسین، باز، غیرمدور	ā	ā ۶
اجاق	ojāx	واکه پسین، نیم باز، مدور	o	o ۷
توت	tut	واکه پسین، بسته، مدور	u	u ۸
قیف	qlf	واکه پسین، بسته، غیرمدور	I	- ۹

1- R. Lado, Language Testing, New York, 1964, p. 14.

2- S. P. Corder, The Significance of Learner's Errors- IRAL. 5-1967.

۳- انحرافات صوتی که در این جا از آنها یاد می شود بعد از بررسی و مطالعه پنجهزار واژه فارسی که وارد آذربایجانی شده اند جمع آوری شده است.
۴- نشانه های واجی که به کار رفته در پایان مقاله معرفی شده است.

واکه‌های *i, ö, ü* در زبان فارسی وجود ندارد. این واکه‌ها طبق قانون هم‌آهنگی واکه‌ها و واج آرائی زبان آذربایجانی جانشین اغلب واکه‌های زبان فارسی شده و موجب تغییراتی در دستگاه صوتی آن زبان می‌شوند.

۱- قانون هم‌آهنگی واکه‌ها *Vowel harmony*

الف. در آذربایجانی آرایش واکه‌ها تحت تأثیر قانون هم‌آهنگی واکه‌ها است. بطوریکه اگر ریشه یا واژه‌های تک‌هجائی دارای یکی از واکه‌های پیشین (*i, e, a, ü, ö*) باشد هجاء پیاپی بعدی نیز دارای یکی از واکه‌های پیشین خواهد بود. مثال: *göz* (چشم) *gözlar* (چشم‌ها) *gözlarina* (به چشم‌هایش). اگر ریشه یا هجاء اول دارای یکی از واکه‌های پسین (*i, ā, o, u*) باشد هجاء پسوندهای بعدی دارای یکی از واکه‌های پسین خواهد بود. مثال:

gāš (ابرو) *gāšlār* (ابروها) *gāšlārīnā* (به ابروهایش).

ب. در واژه‌های چندهجائی، هجاء فشار بر (*Stressed*) مسلط بر سایر هجاءهای همان واژه است. یعنی هجاءهای ماقبل و مابعد هجاء فشار بر از لحاظ واکه با آن مطابقت می‌کنند. مثلاً در واژه *mūtaassif* (متأسف) چون هجاء فشار بر قوی (*as*) دارای واکه پیشین است واکه هجاءهای ماقبل و مابعد این واژه با آن هم‌آهنگ شده‌اند و مطابق این قانون واژه *motaassef* فارسی که بترتیب دارای واکه‌های پسین، پیشین، پیشین می‌باشد در آذربایجانی هر سه پیشین ادا می‌شوند.

خلاصه قانون هم‌آهنگی واکه‌ها:

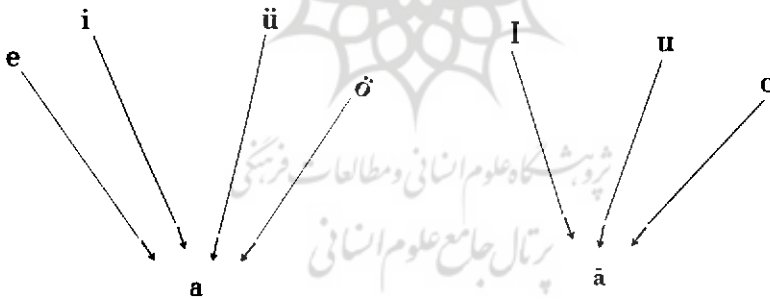
۱- اگر وندی دارای یکی از واکه‌های *a/ā* باشد بعد از هر یک

از واکلهای پیشین (i, ü, e, ö, a) صورت a و بعد از هر يك از واکلهای پسین (I, u, o, ā) صورت ā بخود میگیرد .

مثال :

واکلهای پیشین	واکلهای پسین
به میله‌ها mila_lar-a	به لباس‌ها pältär_lär-ā
به تیشه‌ها teša_lar-a	به غوره‌ها gorā_lär-ā
به بنده‌ها banda_lar-a	به پول‌ها pul_lär-ā
به حرمت‌ها hörmät_lar-a	به زنگوله‌ها zİngİro_lär-ā
به کوزه‌ها küza_lar-a	

نمودار این هم‌آهنگی را میتوان بشرح زیر نوشت :



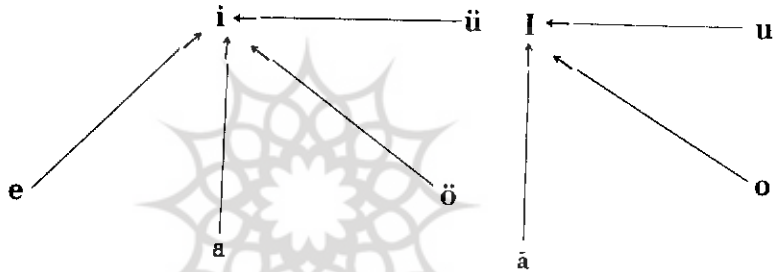
۲- اگر وندي داراي يکي از واکلهای I/i باشد بعد از هر يك از واکلهای پیشین صورت i و بعد از هر يك از واکلهای پسین صورت I بخود میگیرد .

۱- در مواردیکه مثال داده شده است صورت مجرد پسوندها بکار رفته و به همگونگری واجها اشاره‌ای نشده است .

مثال :

واكدهای پیشین	واكدهای پسین
سالهایش il-lar-i	طاقهایش tāγ-lār-I
ایلهایش el-lar-i	قوچهایش goč-lār-I
دستهایش al-lar-i	بیتیهایش burun-lārI-
خودشان öz-lar-i	ساق پاهایش gİš-lārI-
رویشان üz-lar-i	

نمودار این هم آهنگی را میتوان بشرح زیر نوشت :

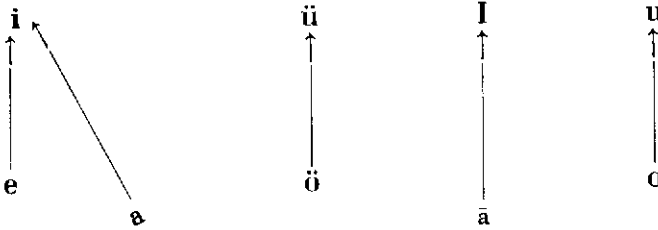


۳- اگر وندی دارای یکی از واكدهای u/ü یا I/i باشد، بعد از هریك از واكدهای پیشین غیرمدور (i, e, a) صورت پیشین غیرمدور i و بعد از واكدهای پیشین مدور (ü, ö) صورت پیشین مدور ü و بعد از واكدهای پسین غیرمدور (ā, I) صورت پسین غیرمدور I و بعد از واكدهای پسین مدور (o, u) صورت پسین مدور u بخود می‌گیرد.

مثال :

واكدهای پیشین	واكدهای پسین
در پیچش pič-in-da	در نورش İšIγ-In-dā
در كمرش bel-in-da	در دهانش āγz-In-dā
در دستش al-in-da	
در خودش öz-ün-da	در طولش tul-un-dā
در صورتش üz-ün-da	از خوفش xof-un-nān

نمودار این هم‌آهنگی را میتوان بشرح زیر نوشت :



واج آرائی آذربایجانی Phonotactics

واج آرائی یعنی مجموعه قوانینی که طبق آن واجهای هر زبان باهم ترکیب می‌شوند. یادگیری این قوانین برای گویندگان بومی بطور ناخودآگاه است، زیرا هر گوینده بومی بدون نیاز بمدارکی میتواند حدس بزند که ترکیب مورد نظر او در زبانش وجود دارد یا نه.

دستگاه صوتی هر زبان مانند دستگاه دستوری آن سازمانی نظام یافته است که در ضمیر هر گوینده بومی در اوایل کودکی نقش می‌بندد و تمام ترکیبات آن در سنین اولیه آموخته می‌شود. اگر گوینده‌ای بهنگام یادگیری زبان دوم بترکیبات واج آرائی آن زبان توجه نکند بلا اراده ترکیبات زبان مادری را در زبان دوم نیز بکار خواهد برد و از این راه ترکیبات نابهنجار و یا انحرافی در عادات زبانی او پیدا می‌شود. برای بررسی واج آرائی لازم است بتعریف هجا و تجزیه عناصر هجا پردازیم. هجا واحدی در دستگاه صوتی است که در قشر اول تجزیه دارای سه عنصر ساختمانی: در آمد (onset)، اوج (peak) و دنباله (coda) است.

1- John Lyons-Chomsky, London, 1970. p. 11.

2- André Martinet - Languages in Contact, Preface - Paris-1968 p. VII-VIII,

در قشر بعدی تجزیه اوج قابل تجزیه نیست ولی دنباله و درآمد را در بعضی زبانها میتوان بواحدهای کوچکتر تجزیه کرد .
 آذربایجانی برخلاف فارسی نمی‌تواند خوشه دو همخوانی دریک هجا داشته باشد و برای بیان هجاهای vcc یا cvcc فارسی مطابق واج-آرایی خود انحرافات را تحمیل می‌کند . در این قبیل انحرافات اغلب واکه یا مکت داخل خوشه‌های دوهمخوانی می‌شود و یابکی ازهمخوانها حذف می‌شود . وجه اشتراك بین فارسی و آذربایجانی درمورد هجا اینست که واکه‌ها فقط جایگاه اوج را اشغال می‌کنند و اوج عنصری اجباری در ساختمان هجا است .

با توجه به جدول زیر هجای آذربایجانی دارای یکی از چهار ساختمان زیر است و در مورد کلیه واژه‌هاییکه از فارسی گرفته شده و

جدول واج آرایی هجاء فارسی و آذربایجانی

مثال آذربایجانی	مثال فارسی	هجای آذربایجانی	هجای فارسی	واج آرایی شماره
o	او u	v	v	۱
ki	که qe	cv	cv	۲
al	دست il	vc	vc	۳
čāp	چاپ čāp	cvc	cvc	۴
—	اهل ahl	—	vcc	۵
—	هضم hazm	—	cvcc	۶

ساختمان واج آرائی آن‌ها در فارسی منطبق با ساختمان هجای آذربایجانی نیست مطابق قانون هم آهنگی واکه‌ها انحرافات داده می‌شود .
انحرافاتیکه در هجاهای VCC و CVCC روی می‌دهد به صورت‌های زیر ظاهر می‌شوند :

انحراف ۱ حذف همخوان ساکن ماقبل آخر (باتوجه به نکات ۱ و ۲ زیر)

	فارسی	آذربایجانی ^۱	
	cvcc	cv(c)c	مثال
جفت	joft	jüt	
فرش	farš	faš	
بند	band	bat	

توجه : ۱ - اگر هجای این قبیل واژه‌ها با واکه شروع شود همخوان حذف شده ظاهر می‌شود و با واکه بعدی هجا جدید تشکیل می‌دهد.

جفتش آمد	jüft-i-ğaldi	مثال
فرش را خرید	farš-i-aldl	
به بند کشید	band-a-čakdi	

۲- اگر هجای بعدی این قبیل واژه‌ها با همخوان شروع شود همخوان حذف شده ظاهر نمی‌شود .

جفت کرد	jüt-da-di	مثال
فرش فروش	fašfuruš	
بندهایش	bat-da-ri	

انحراف ۲ حذف همخوان ساکن پایانی (باتوجه به نکات ۱ و ۲ زیر)

	فارسی	آذربایجانی	
	cvcc	cvc(c)	مثال
کلفت	qoloft	kuluf(t)	
زمخت	zomox(t)		
درشت	dorošt	dürüş(t)	

۱- همخوان حذف شده داخل () نشان داده می‌شود .

توجه : ۱- اگر هجاء بعدی این قبیل واژه‌ها با واکه شروع شود همخوان حذف شده مطابق قانون همکونگری واج‌ها بصورت مبدل ظاهر می‌شود و با واکهٔ بعدی هجاء جدید تشکیل میدهد .

کلفت شد	kulufd. ' oldI	مثال
آدم زمنت	zumuxd. ādām	
درشت شد	dürüşd. oldI	

۲- اگر هجاء بعدی این قبیل واژه‌ها با همخوان شروع شود همخوان حذف شده ظاهر نمی‌شود .

کلفت شد	kuluf-di	مثال
زمنت است	zumux-di	
درشت است	dürüş-di	

انحراف ۳ تداخل واکه بین دو همخوان آخر

فارسی	آذربایجانی ^۲	مثال
cvcc	cvcv+c	
چتر	čatr	čatir
فطر	fetr	fitir
کسر	qasr	kasir

در این انحراف واکه‌های تک هجائی فارسی با اضافه کردن واکه بین دو همخوان آخر تبدیل به واژه‌های دو هجائی می‌شوند. این انحراف اغلب در خوشه‌هاییکه مختوم به واج ۲ هستند روی میدهد .

۱- ه نشانهٔ واك رفتگی همخوان و اکبر است .

۲- v+ نشانهٔ واکه اضافه شده است .

انحراف ۴ اضافه شدن واکه به آخر خوشه‌های دو همخوانی^۱

فارسی	آذربایجانی	مثال
cvcc	cvc/cv +	
حکم hoqm	hökmi	
ضد zedd	ziddi	
سقف sagf	saxfi	

در این قبیل واژه‌ها که عموماً تک هجائی هستند بعد از اضافه شدن i/I به پایان آنها واژه انحراف یافته دو هجائی می‌شود.

توزیع واکه‌ها در کلمات تک هجائی

توزیع واکه‌ها در واژه‌های تک هجائی آذربایجانی برابر با توزیع واکه‌ها در واژه‌های تک هجائی فارسی است. بطور کلی میتوان گفت که همه واکه‌هایی که از لحاظی باهم وجه اشتراک دارند در جایگاه اوج واژه‌های تک هجائی فارسی و آذربایجانی ظاهر می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- در صورتیکه واج آغازی واژه بعدی با همخوان شروع شود.

جدول توزیع واژه‌ها در واژه‌های تک هجائی^۱

واژه فارسی	اوج + دنباله		درآمد + اوج + دنباله		درآمد + اوج	
	فارسی	آذربایجانی	فارسی	آذربایجانی	فارسی	آذربایجانی
i	in	il	miz	miz	سی	ki
e	elm	el	del	sel	سه	de
a	ahl	al	sag	saf	نه	ga
ā	āš	āš	dār	dār	یا	yā
o	osr	ol	som	don	شو	do
u	ur	uš	čub	mum	رو	su
ı	-	-	-	fls	-	-
ö	-	öl	-	böl	-	-
ü	-	üz	-	küp	-	-

۱- در این جدول وجوه‌های بدی حتی‌الامکان از مثالهای مشترک فارسی و آذربایجانی استفاده شده است.

توزیع واژه‌ها در واژه‌های چندهجائی

از مطالعه جدول زیر که نمودار توزیع واژه‌های فارسی و آذربایجانی در واژه‌های چندهجائی است، نکات زیر روشن می‌شود:

۱- تمام واژه‌های فارسی در جایگاه‌های بین دو همخوان هجائی اول و هجائی میانی واقع می‌شوند.

۲- تمام واژه‌های فارسی بغیر از واژه *ə* در جایگاه پایانی واژه‌های چندهجائی ظاهر می‌شوند.

۳- در آذربایجانی تمام واژه‌ها بین دو همخوان هجائی اول قرار می‌گیرند.

۴- در آذربایجانی واژه‌های *ə*، *õ*، *o* در بین دو همخوان هجائی میانی قرار نمی‌گیرند.

۵- در آذربایجانی واژه‌های *u*، *e*، *tt*، *ə* در جایگاه پایانی واقع نمی‌شوند. از مطالعه قانون هم‌آهنگی واژه‌ها، واج آرایی و جد اول مربوط می‌توان پیش‌بینی کرد که آموزنده آذربایجانی تحت چه شرایط زبانی چه نوع انحراف یا تغییر در دستگاه صوتی و واج آرایی زبان فارسی وارد خواهد کرد.

جدول توزیع واژه‌های در واژه‌های چند هجائی فارسی و آذربایجانی

فارسی	بین دو همخوان هجائی اول		بین دو همخوان هجائی میانی با پایانی		جایگاه پایانی	
	فارسی	آذربایجانی	فارسی	آذربایجانی	فارسی	آذربایجانی
i	شیره	šira	تسکین	taskin	زادی	پری
—	—	tükân دکان	—	bülbül بلبل	—	—
e	حیران	heyran	ارزش	—	ناله	—
—	—	hösala حوصله	—	—	—	—
a	برکت	barakat	مرورت	mürüvvat	—	کره
â	خواهش	xâhis	پالان	pâlan	خرما	xurmâ
o	محکم	şorbâ شوربا	مردم	mardom	همچو	گوساله
u	کوزه	xurmâ خرما	محبوب	mahbub	دارو	—
—	—	mirdâr مردار	—	yâ'is باران	—	خوب

نشانه‌های واجی که در این نوشته استفاده شده است

مثال آذربایجانی	مثال فارسی	نشانه	الف-واکه‌ها
	in	i	۱
u مانند u فرانسه دروازهٔ sujet	ürza	-	ü
	eyb	e	۳
eu مانند eu فرانسه دروازهٔ heure	ördək	-	ö
	amd	a	۵
	āšqār	ā	۶
	ojāg	o	۷
	quze	u	۸
مانند ɒ انگلیسی ولی یسین gɪz	-	ɪ	۹
ب-همخوان‌ها			
	bāz	b	۱
	pās	p	۲
	vali	v	۳
	fārsɪ	f	۴
	dam	d	۵
	tut	t	۶
	zar	z	۷
	sabad	s	۸
	jār	j	۹
	cāp	ç	۱۰
	šam(?)	š	۱۱
kam	-	k	۱۲
g̃or	-	g̃	۱۳
bazak (معمولاً در جایگاه پایانی بکار می‌رود)	-	k̃	۱۴
	bālqon	q	۱۵
	gir	g	۱۶
bāɣvān	-	ɣ	۱۷
	xabar	x	۱۸
	yār	y	۱۹
	hāl	h	۲۰
	māl	m	۲۱
	nam	n	۲۲
	lāl	l	۲۳

منابعی که برای تهیه این نوشته از آنها استفاده شده است :

- ۱- ماهیار نوابی - زبان کنونی آذربایجان ، تیریز ۱۳۳۵ .
- ۲- محمد رضا باطنی-توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران ۱۳۴۸.
- ۳- نادر وزین پور - فعل در زبان ترکی ، تهران ۱۳۴۸ .
- 4- F. W. Householder Jr, Basic Course in Azerbaijani , Indiana University, 1965.
- 5- F. L. Billows, The Techniques of Language Teaching Longmans, 1962.
- 6- D. Jones, An Outline of English Phonetics, Cambridge, 1962.
- 7- R. Lado, Language Teaching, New York, 1964.
- 8- C. F. Hockett. A Course in Modern Linguistics , New York, 1965.
- 9- H. A . Gleason , An Introduction to Descriptive Linguistics, New York. 1961.
- 10- A . Martinet , Elements of General Linguistics , London, 1962.
- 11- International Phonetic Association, The Principles of The International Phonetic Association, London, 1963 .
- 12- Jacobs & Rosenbaum, English Transformational Grammar, London, 1970.